معنای سوم در «کلیۀ الاجناس»

استاد: بله؛ یک جوری کلیت با‌لمقابله در خود عبارت می‌شود. ما الآن داریم کلیت را در فضای طلق و جدای از عبارت معنا می‌کنیم، خوب هم هست، همه‌ی وجوه را می‌بینیم، اما یک وقتی است که اینطور نیست. همانطوری که در فضای طلبگی می‌گوییم مصنف «مطلقاً» گفته است، می‌گوییم «مطلقاً» دو جور است، مقابل تقیدی قبل و مقابل تقیدی بعد. قبل و بعد را نگاه کن تا بفهمی «مطلقاً» به چه معنا است. همینطور که نمی‌توان گفت «مطلقاً» به چه معنا است. باید نگاه کنی که تقیدی قبل ای بعد چیست، به لحاظ آن تقیدی قبل و بعد آن اطلاق، معنا پیدا می‌کند. الآن چه بسا این کلیتی که حضرت علیه السلام می‌فرمایند، با لحاظ کلمه‌ی عجز و فطور و زوال، در ذهنم احتمالی آمده است. خوب شد قبلاً یادداشت کرده بودم. اگر در شرایط الآن می‌آمدم، به ذهنم نمی‌آمد. دیدم با مداد به این صورت یادداشت کرده‌ام.

حضرت علیه السلام چهار چیز درست می‌کنند: کلیت، عجز، فطور و زوال. این خودش خیلی زیبا است. جا گذاری است. چهار عبارت است. چهار عِدل در موضع این چهار عبارت هستند. عبارت‌ها موضع واحد دارند. در موضع واحد، حضرت علیه السلام چهار کلمه گذاشته‌اند. یکی کلیت، یکی عجز، یکی فطور و یکی زوال. در این مقابله و قیاس این‌ها، ببینیم کلیت به چه معنا است. آن هم یک فضای دیگری است که ان شاء اللّٰه می‌رسیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:34:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:35:53 توسط ... .